

سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی *

(مورد مطالعه: کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بروجن)

علیرضا کریمی^۱، کریم حبیب‌پور گنابی^۲، مه‌گل مالکی بروجنی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴)

چکیده

شناخت وضعیت مسئولیت‌پذیری محیط زیستی کارمندان در شهر بروجن و رابطه سرمایه اجتماعی با آن، هدف اصلی این پژوهش است. نظریه پاتنام مبنای نظری پژوهش بوده و روش تحقیق پیمایش با ابزار پرسشنامه محقق ساخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بُعد نگرش محیط زیستی کارمندان با بُعد رفتاری آنها تفاوت قابل توجهی دارد. به لحاظ نگرشی حدود ۹۶ درصد از کارمندان، وضعیت مسئولیت‌پذیری آنها در سطح متوسط به بالایی است (با میانگین ۱۸/۳) در حالیکه در بخش رفتاری وضعیت مسئولیت‌پذیری حدود ۹۵ درصد از آنها در سطح متوسط به پایینی قرار دارد (با میانگین ۱۲/۵). سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط زیستی رابطه مثبت و معناداری دارد. رابطه شاخص‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، مشارکت، برهمکنش‌ها و حمایت اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط زیستی تأیید شد. جهت تقویت مسئولیت‌پذیری محیط زیستی، شکل‌گیری برهمکنش‌های اجتماعی در قالب انجمن‌ها، روابط دوستانه و روابط با همکاران با محوریت حفظ محیط زیست ضرورت انکارناپذیری دارد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری محیط زیستی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، برهمکنش‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی

Doi: <http://10.22034/JSI.2023.556954.1599>

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Alireza.karimi@khu.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
Karamhabibpour@khu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
m.maleki5819@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

ارزیابی دانشگاه ییل و کلمبیا در سال ۲۰۱۴ نشان داد که از بین ۲۲ فاکتور مورد مطالعه از جمله منابع آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی رتبه ایران از بین ۱۷۸ کشور مورد مطالعه در جایگاه ۸۳ قرار دارد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸۶). گزارش عملکرد محیط زیستی کشورها در سال ۲۰۱۸ حاکی از آن است که ایران رتبه ۸۰ را از مجموع ۱۸۰ کشور به دست آورده است (عبداللهیان و اسدی، ۱۳۹۷: ۶۹). مطابق با گزارش سازمان ملل متحد، در آینده‌ای نزدیک، ۳۱ کشور جهان با کمبود آب روبه‌رو خواهند شد و ایران به عنوان یکی از بحرانی‌ترین کشورها درگیر کمبود آب در آینده معرفی شده است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

اگر آمار و ارقام را کنار بگذاریم و به واقعیت‌های وضع موجود در جامعه به لحاظ موضوعات زیست محیطی نگاه کنیم و این موضوع را در روند تاریخی به لحاظ تجربه زیسته بررسی کنیم، مسأله محیط زیست نگران‌کننده‌تر از آمارها خواهد شد. مروری بر اخبار زیست محیطی نیز بر دامنه اهمیت موضوع بیش از پیش می‌افزاید. در زمان نگارش این پژوهش به دلیل وجود ریزگردها شعاع دید بسیار کاهش یافته و امکان تنفس سخت شده است. ریزگردها که در سال‌های گذشته غرب و جنوب غرب کشور را در بر می‌گرفت و عموماً اخبار این مناطق را در فصل بهار و تابستان تحت شعاع قرار می‌داد، در وضعیت موجود تقریباً سراسر کشور را در بر گرفته است و هشدارهایی از تشدید این موضوع در آینده داده می‌شود. بادهای ۱۲۰ روزه سیستان، خشک‌شدن دریاچه ارومیه و تالاب‌های کشور، خشک‌شدن زاینده‌رود، کاهش محسوس آب سدها، آتش‌سوزی جنگل‌های بلوط زاگرس، قطع بی‌رویه جنگل در شمال کشور، آلودگی هوای کلانشهرها، تجمعات مردم به دلیل کمبود آب و آبخاری از این قبیل به نسبت گذشته بیشتر شنیده می‌شود. از دیدگاه برخی از محققینی که در حوزه محیط زیست در ایران پژوهش کرده‌اند، بدون تردید وضعیت محیط زیست در ایران بحرانی است و بحران محیط زیست در ایران در زمره مهم‌ترین بحران‌های ملی در دهه‌های آینده است (ملکی و عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۰؛ فاضلی، ۱۳۹۱).

مسائل محیط زیستی در مناطقی که دارای منابع غنی هستند بیش از سایر مناطق مشهود و ملموس است. از جمله این مناطق باید به شهر بروجن در استان چهارمحال و بختیاری اشاره کرد. شهر بروجن دومین شهر بزرگ استان چهارمحال و بختیاری است که یکی از مرتفع‌ترین شهرهای کشور نیز به حساب می‌آید. ارتفاع این شهر، وضعیت آب و هوای آن و وجود چشمه‌ها و تالاب‌ها سبب شده که بروجن به منبع بسیار غنی به لحاظ محیط زیست حیوانی و گیاهی تبدیل

شود. بررسی‌های انجام شده به لحاظ محیط زیستی در این منطقه نشان می‌دهد که تقریباً تمامی محدوده آن، تحت تأثیر بهره‌برداری‌های غیر اصولی از منابع، انجام عملیات عمرانی در محدوده‌های دارای اکوسیستم شکننده، افزایش بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی و تغییر اکوسیستم‌های تالابی است. تخریب مراتع، تخریب و فرسایش خاک، اضمحلال گونه‌های گیاهی و جانوری، آلودگی منابع آب و خاک و ... نمونه‌هایی از اثرات این دگرگونی‌های محیطی تشدید شده در سال‌های اخیر است (نوروزی اورگانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

مسئولیت محیط زیست تنها با دولت نیست بلکه تمام افراد جامعه در قبال محیط زیست مسئولیت دارند. مسأله مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای حفظ محیط زیست در تمام سطوح و قشرهای جامعه، موضوعی است که در بند ۱۴ از بندهای ۱۵ گانه سیاست کلی محیط زیست جمهوری اسلامی ایران به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. این مسئولیت محیط زیستی در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی است که حفظ محیط زیست را وظیفه همگانی دانسته و لذا همه مردم می‌بایست در این زمینه اقدام کنند (صالحی، ۱۳۹۹: ۳).

سه دسته عوامل به طور کلی برای تبیین رفتار و مسئولیت محیط‌زیستی به کار گرفته می‌شوند. این سه دسته عبارتند از: عوامل فردی، عوامل موقعیتی (امکانات، کنترل اجتماعی، هزینه مادی) و عوامل اجتماعی و سیاسی (سرمایه اجتماعی، تأثیر شهروندی و...) (فاضلی و جعفر صالحی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در میان عوامل اجتماعی، باید سرمایه اجتماعی را یکی از اصلی‌ترین و مهمترین عوامل موثر بر رفتارهای محیط‌زیستی دانست. سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع مهم بر مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی شهروندان اثرگذار است (ماسیاس و ویلیامز^۱، ۲۰۱۶؛ چو و کانگ^۲، ۲۰۱۷؛ لی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹؛ هووا^۴ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲). دولال^۵ و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی عملکرد محیط‌زیستی کشورها و مقایسه این عملکردها به طرح سئوالی می‌پردازند با این عنوان که "چرا برخی کشورها از عملکرد محیط‌زیستی بالاتری نسبت به سایر کشورها برخوردار هستند؟" آنها در پاسخ به این سئوال معتقدند موضوعی که در بسیاری از مطالعات مورد غفلت قرار گرفته است اما نقش مهمی در عملکرد محیط‌زیستی جوامع دارد

1 Macias & Williams

2 Cho & Kang

3 Li

4 Hua

5 Dulal

موضوع سرمایه اجتماعی است. به اعتقاد آنها با وجود اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری محیط زیستی اما در ادبیات بین‌الملل در حوزه محیط زیست کمتر به این موضوع توجه شده است. سطوح بالای سرمایه اجتماعی میزان همکاری را با کاهش هزینه فعالیت‌های جمعی تسهیل می‌کند. هنگامی که این هزینه کاهش یابد، مردم بیشتر درگیر فعالیت‌های جمعی می‌شوند و احتمال کمتری دارد که اقدام به فعالیت‌های شخصی رها شده‌ای نمایند که اثرات محیط‌زیستی منفی دارد. شواهدی از داده‌های آماری در سطح خرد در کشورهای در حال توسعه وجود دارد که نشان‌دهنده رابطه مثبت بین سطوح سرمایه اجتماعی با نتایج محیط‌زیستی است (دولال و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۲۲). حفظ محیط زیست تنها وابسته به مولفه‌ها و متغیرهای فنی نیست بلکه مولفه‌ها و متغیرهای اجتماعی می‌توانند نقش و اثرگذاری معناداری در این حوزه داشته باشند. در واقع بسیاری از مسائلی که امروزه محیط زیست ما را تهدید می‌کند ریشه در رفتارهای انسانی دارد (خوشبین و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴) موضوعی که در پژوهش‌های انجام گرفته در ایران کمتر به آن توجه شده است و غلبه دیدگاه‌های فنی بر مسأله محیط زیست بیش از دیدگاه‌های اجتماعی نمایان است. در این پژوهش سعی شده که محیط زیست و مسئولیت‌پذیری در این زمینه از دیدگاه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به تجربه زیسته محقق در شهر بروجن و موضوعات پیش‌تر گفته شده در ارتباط با این شهر لذا اقدام به انتخاب این جامعه به عنوان جامعه مورد مطالعه شده است. در شهر بروجن نیز کارکنان ادارات دولتی به عنوان واحد مشاهده انتخاب شده‌اند دلیل این انتخاب نقش و اثرگذاری دو سویه این افراد در حفظ محیط زیست می‌باشد. به عبارت دیگر این افراد هم در جایگاه کارمند اداری از طریق میزان رعایت قوانین محیط زیستی می‌توانند بر حفظ محیط زیست اثرگذار باشند و هم به عنوان یک شهروند در زمینه مسئولیت‌پذیری محیط زیستی مورد توجه هستند. بر همین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی وضعیت مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان در شهر بروجن و رابطه سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی آنها می‌باشد.

۲- چارچوب نظری

تویر^۱ (۲۰۱۱) بر این باور است کنش‌گرانی که نگرش‌های مثبت به محیط زیست دارند بیشتر نگران مسائل محیط‌زیستی موثر بر جوامع خود هستند. آنها همچنین به احتمال زیاد متعهد به

1 Thoyre

یافتن راه‌هایی برای کاهش آسیب‌های وارده بر محیط زیست توسط خود و دیگران هستند. در چنین وضعیتی نگرش سرچشمه رفتار می‌شود. در این میان سرمایه اجتماعی به طور بالقوه می‌تواند نگرش‌های طرفدارانه محیط زیستی را توسعه و پرورش دهد. سرمایه اجتماعی به عنوان مکانیسمی عمل می‌کند که انتشار اطلاعات و دانش را تسهیل می‌کند و به طور مجزا برای کنش‌گران غیرقابل‌دسترس است. از طریق سرمایه اجتماعی، اطلاعات در مورد نیازها و مسائل محیط‌زیستی در سراسر جامعه پخش می‌شود که سبب تغییر نگرش به محیط زیست و در نهایت تحریک کنش جمعی می‌شود. فالک و کیل‌پاتریک^۱ (۲۰۰۲) نیز معتقدند که مصرف‌کنندگان با تعامل نزدیک با دیگران در جوامع خود، به اصطلاح "منابع هویت"^۲ را غنی می‌کنند که تصویر، هنجارها و نگرش‌های جمعی را شکل می‌دهد. این دیدگاه نشان می‌دهد که شکل‌گیری نگرش‌های طرفدار محیط زیست تا حد زیادی توسط میزان تعامل کنش‌گران با جامعه خود و احساس تعلق و تمایل به اقدام به نفع جامعه شکل می‌گیرد. منظور از هویت در این بخش هویت محیط زیستی است.

کنش‌گران ممکن است برخی از گروه‌ها و افراد مرجع در جوامع خود را در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود به سه روش موثر بیابند:

- ۱- سرمایه اجتماعی که در گروه‌ها و افراد مرجع وجود دارد، اطلاعاتی را فراهم می‌کند که بر روی دانش کنش‌گران و نحوه مواجهه آن‌ها با محیط زیست اثرگذار است.
- ۲- کنش‌گران ممکن است در برخی از فعالیت‌های عمومی شرکت کنند یا از آن دوری نمایند با این هدف که توسط گروه یا افراد مرجع سرزنش و مجازات نشوند.
- ۳- کنش‌گران ممکن است برخی از ارزش‌ها و رفتارهای پذیرش شده توسط گروه یا افراد مرجع را بپذیرند یا توسعه دهند با این هدف که خودپنداره^۳ یا تصویر خود را تقویت کنند (کاستاندا^۴ و همکاران، ۲۰۱۵: ۵).

اصل محوری نظریه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که کنش‌گران در قالب پیچیده‌ای از روابط و ساختارهای اجتماعی جای گرفته‌اند. این شبکه‌های نهادینه‌شده از روابط و ساختارهای اجتماعی، هنجارها، استانداردها و انتظارات متقابل در میان کنشگرانی که در یک جامعه زندگی

1 Falk & Kilpatrick
2 identity resources
3 self-concept
4 Castaneda

می‌کنند را شکل می‌دهند. پاتنام معتقد است که هنجارهای حاکم بر این شبکه‌ها تأثیرات مثبتی بر بهره‌وری کلی یک جامعه دارد. لذا نظریه سرمایه اجتماعی بیانگر این است که رفتار کنش‌گران عمدتاً توسط این هنجارها و انتظارات اجتماعی به واسطه فرایندهای اجتماعی در طول زمان شکل می‌گیرد (کاستاندا و همکاران، ۲۰۱۵: ۴). پاتنام جنبش‌های محیط‌زیستی و سرمایه اجتماعی را دارای ارتباط نزدیکی با هم می‌داند (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۶). میزان نقشی که سرمایه اجتماعی در تعیین عملکرد محیط‌زیستی ایفا می‌کند، احتمالاً به چگونگی ساختاریافتگی جوامع بستگی دارد. پاتنام (۲۰۰۰) بین دو نوع سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و درون‌گروهی تمایز قائل شده و معتقد است سرمایه اجتماعی بین‌گروهی سبب ارتباط و تعامل گروه‌ها و نشر اطلاعات می‌شود در حالی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر به تقویت گروه‌های انحصاری می‌گردد. اگرچه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی افراد می‌تواند سبب بهبود کیفیت محیط زیست شود اما لزوماً نمی‌توان این موضوع را پدیده عام و قطعی تلقی کرد. به عنوان مثال، اگر معیارهای سرمایه اجتماعی مانند عضویت در انجمن صرفاً منعکس‌کننده سرمایه اجتماعی برون‌گروهی باشد، این ممکن است لزوماً هیچ تأثیر مثبتی بر سطوح ملی عملکرد محیط‌زیستی نداشته باشد. در واقع می‌توان تصور کرد که برخی از اشکال سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مانند عضویت فعال در گروه‌های صنعتی آلاینده ممکن است حتی برای کیفیت محیط زیست مضر باشد. لذا باید در مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای محیط‌زیستی، چگونگی ساختاریافتگی جوامع نیز مورد توجه قرار گیرد. سرمایه اجتماعی معطوف به مباشرت ممکن است در تأثیرگذاری بر عملکرد محیطی مهمتر و موثرتر از سرمایه اجتماعی معطوف به طرفداری باشد (گرافتون و نولز^۱، ۲۰۰۴: ۳۶۵).

تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی در طول دهه ۱۹۹۰ اندکی تغییر کرد. وی در سال ۱۹۹۶ اظهار داشت: "منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند" (پاتنام ۱۹۹۶: ۶۶). به اعتقاد وی ایده مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزشمند هستند و تماس‌های اجتماعی بر کارایی افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند. او این اصطلاح را برای اشاره به اتصال‌های بین افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتمادی که در نتیجه آن به وجود می‌آید به کار می‌برد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۹).

1 Grafton & Knowles

لذا باید گفت پاتنام در بررسی سرمایه اجتماعی بر مولفه‌هایی مانند اعتماد، مشارکت، تعاملات اجتماعی و حمایت‌هایی که از افراد در قالب شبکه‌های اجتماعی می‌شود تأکید ویژه‌ای دارد. این مطالعه با محوریت نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام از یک سو براساس مؤلفه‌های سازنده آن (اعتماد، تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی) و از سوی دیگر براساس تقسیم‌بندی دوتایی وی از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بروجن با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی آنها می‌پردازد.

۳- پیشینه تجربی

در بخش پیشینه تحقیق به اختصار به بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و سرمایه اجتماعی شهروندان به ترتیب در دو بخش تحقیقات داخلی و خارجی پرداخته می‌شود.

مرادی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی کنش مسئولانه در فرایند جامعه‌پذیری محیط‌زیستی در شهر یاسوج به روش پیمایش پرداختند و دریافتند که بین متغیرهای جامعه‌پذیری، آگاهی محیط‌زیستی و دینداری با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود دارد. صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۵) در بررسی نقش هنجارهای فردی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتار حامی محیط زیست در بین ساکنان مناطق شهری استان مازندران، دریافتند که در جامعه مورد مطالعه هنجارهای فردی و جمعی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. با این وجود این هنجارها علاوه بر اینکه بر رفتارهای محیط‌زیستی تأثیرگذار هستند می‌توانند به کاهش شکاف بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی کمک کنند. مطالعه احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) در زمینه نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای محیط‌زیستی شهری در کرمانشاه نشان داد که بین متغیرهای ارزش، باور و آگاهی‌های محیط‌زیستی با رفتار محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود دارد. فاضلی و جعفرصالحی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان بررسی شکاف نگرش، دانش و رفتار محیط‌زیستی گردشگران که با روش پیمایش در دو جامعه آماری چالوس و اصفهان انجام دادند، دریافتند که رفتار محیط‌زیستی گردشگران با ارزش‌های محیط‌زیستی، درک منافع محیط‌زیستی، تصور فرهنگی و انگیزه فرهنگی رابطه مستقیم معنادار دارد. در حالی که میان دانش محیط‌زیستی و رفتار محیط‌زیستی گردشگران رابطه معناداری وجود ندارد. صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) در پیمایش رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای محیط‌زیستی در استان کردستان

نشان دادند که بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای محیط‌زیستی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل فرهنگی موثر بر حفظ محیط زیست در مناطق ۵ و ۱۸ شهر تهران، دریافتند که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های دینی و سنتی بر رفتارهای محیط‌زیستی موثر هستند. عقیلی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به روش پیمایش در استان‌های شمالی کشور به این نتیجه دست یافتند که بین سرمایه اجتماعی با رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. لذا برای ترویج و توسعه رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست باید سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به ویژه اعتماد نهادی، عضویت در نهادهای مدنی و شبکه روابط بین گروهی تقویت شود. هووا و همکاران (۲۰۲۱) به دنبال بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتار محیط‌زیستی باز یافت زباله در میان ساکنان شهری چین، دریافتند که در میان ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، متغیر اعتماد اجتماعی چه به شیوه مستقیم و چه به شیوه غیرمستقیم بیشترین تأثیر را بر رفتارهای محیط‌زیستی دارد. نتایج پژوهش عطشان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی مانند مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی همبستگی بالایی با رفتارهای مسئولانه زیست محیطی^۲ شهروندان دارد. پژوهش کاستاندا و همکاران (۲۰۱۵) با عنوان بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر رفتار محیط‌زیستی شهروندان فیلیپینی نشان داد که سرمایه اجتماعی اثرگذاری بالایی بر دانش و نگرش محیط‌زیستی شهروندان دارد که در نهایت سبب رفتارهای مثبت محیط‌زیستی می‌شود. پژوهش لیو^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در دو مقصد اکوتوریسم در چین نشان داد که منافع اقتصادی تأثیر مستقیمی بر رفتارهای محیط‌زیستی ساکنان دارد و سرمایه اجتماعی شناختی و نه ساختاری تا حدی تأثیرات واسطه‌ای بر این رابطه دارد. علاوه بر این سطح بالایی از سرمایه اجتماعی به ویژه نوع شناختی آن سبب تشویق رفتارهای محیط‌زیستی ساکنان یک منطقه می‌شود. تویر (۲۰۱۱) در پژوهشی به روش کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق در یکی از شهرهای کارولینای شمالی^۴ به این نتیجه دست یافت افرادی که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند کنش‌های محیط‌زیستی بیشتری دارند و نگرش مسئولانه‌تری نسبت به محیط زیست دارند زیرا آنها به جای منافع شخصی برای منافع جمعی

1 Atshan

2 environmentally responsible behavior

3. Liu

4 North Carolina

ارزش قائل هستند. پژوهش ویکفیلد^۱ و همکاران (۲۰۰۶) در همیلتون^۲ کانادا نشان داد که کنش محیط‌زیستی افراد با فعالیت‌های مدنی و مشارکتی آنها ارتباط معناداری دارد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی تبیین‌کننده مهمی برای کنش محیط‌زیستی افراد می‌باشد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تعداد پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی پرداخته‌اند، بالاخص در ایران محدود است و بنابراین، ضرورت انجام مطالعات بیشتر و تکمیل خلأ مطالعاتی در این زمینه به منظور تولید و انباشت دانش بیشتر احساس می‌شود. علاوه بر این در بررسی دو متغیر اصلی یعنی مسئولیت‌پذیری و سرمایه اجتماعی باید گفت که عموماً بر یک بُعد از موضوعات محیط‌زیستی یعنی رفتاری یا نگرشی تأکید دارند، درحالی‌که در پژوهش حاضر مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی از دو بُعد نگرشی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی در بیشتر این پژوهش‌ها بیش از آنکه از یک دیدگاه مشخص و با ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار گیرد، عمدتاً محدود به بعضی از شاخص‌ها بالاخص اعتماد و مشارکت انجمنی شده است، درحالی‌که مطالعه حاضر سرمایه اجتماعی را در ابعاد چهارگانه اعتماد، مشارکت، تعاملات و حمایت اجتماعی مورد توجه قرار داده است. در پژوهش‌های داخلی، تمرکز قلمروی بر شمال کشور می‌باشد اگرچه پژوهش‌هایی در استان‌های دیگر نیز انجام شده است اما در شهر بروجن و در استان چهارمحال و بختیاری با وجود تخریب روزافزون محیط زیست، پژوهشی در ارتباط با وضعیت مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی شهروندان یافت نشد. مزیت دیگر این مطالعه، توجه به این ضرورت پژوهشی در شهر بروجن است.

۴- روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر پیمایش با ابزار پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه مورد مطالعه کارکنان ادارات و سازمان‌های دولتی شهر بروجن هستند که به اختصار به چرایی انتخاب این گروه از افراد جامعه در بخش بیان مسأله اشاره شد. برای انتخاب سازمان‌های مورد مطالعه، به دلیل تعداد زیاد آن‌ها، امکان انتخاب همه وجود نداشت، لذا به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای و مبتنی بر معیار نوع خدمات ارائه‌شده که شامل سه دسته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، ۱۶ سازمان از بین آنها انتخاب شد. سازمان‌های منتخب شامل: ۱- اداره تعاون، کار و رفاه

1 Wakefield

2 Hamilton

اجتماعی ۲- اداره صنعت، معدن و تجارت ۳- اداره جهاد کشاورزی ۴- اداره امور اقتصاد و دارایی ۵- اداره آب و فاضلاب ۶- اداره محیط زیست ۷- اداره راه، مسکن و شهرسازی ۸- سازمان تأمین اجتماعی ۹- اداره بهزیستی ۱۰- کمیته امداد امام خمینی (ره) ۱۱- شهرداری ۱۲- بنیاد شهید و امور ایثارگران ۱۳- اداره آموزش و پرورش ۱۴- اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵- اداره ورزش و جوانان ۱۶- شرکت سهامی مخابرات.

مجموع جامعه آماری کارکنان در ۱۶ سازمان منتخب برابر با ۳۳۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد و میزان خطای ۵ صدم حجم نمونه برابر با ۲۰۴ نفر برآورد شد که این حجم از نمونه به تفکیک بین ادارات و سازمان‌ها متناسب با جمعیت آنها توزیع شد. بیشترین حجم نمونه به شهرداری، آموزش و پرورش و بهزیستی تعلق گرفت که هر یک دارای ۳۱ نمونه می‌باشند و کمترین حجم نمونه برای ادارات راه و شهرسازی و فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد که دارای ۴ نمونه هستند. حجم نمونه اداره محیط زیست نیز ۵ نمونه است.

روش نمونه‌گیری به شیوه طبقه‌ای متناسب با حجم جمعیت هر سازمان و سپس نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب کارکنان نمونه بود.

در این پژوهش، متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی است که در دو بُعد نگرشی (۵ گویه) و رفتاری (۵ گویه) سنجش شد. میزان پایایی دو بُعد نگرشی و رفتاری مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی بر اساس مقدار آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۷۳ و ۰/۷۵ می‌باشد. متغیر مستقل نیز سرمایه اجتماعی بود که چهار شاخص اصلی آن یعنی اعتماد، مشارکت، تعاملات و حمایت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

■ میزان اعتماد اجتماعی افراد بر اساس مجموع نمره آنها در سه بُعد اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی محاسبه شده است. اعتماد بین‌فردی در سه سطح اقوام و خویشاوندان (۸ گویه)، دوستان (۸ گویه) و همکاران (۸ گویه) بررسی شده است. میزان پایایی به دست آمده از این سه سطح بر اساس آزمون آلفای کرونباخ برای سطح اقوام و خویشاوندان (۰/۸۸)، دوستان (۰/۹) و همکاران (۰/۹) در سطح مناسبی می‌باشد. اعتماد تعمیم‌یافته (۹ گویه) به بررسی جنبه‌هایی از اعتماد در سطح جامعه پرداخته است. میزان پایایی این طیف مطابق با مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۵ است. در بخش اعتماد نهادی به تفکیک به بررسی اعتماد پاسخگویان به ۲۳ نهاد پرداخته شده است.

- برای سنجش تعاملات اجتماعی از پاسخگویان خواسته شد تا وضعیت تعاملات خود را با سه گروه اقوام و خویشاوندان (۱۱ گویه)، دوستان (۱۱ گویه) و همکاران (۱۱ گویه) بیان نمایند. میزان آلفای کرونباخ طیف برای سه گروه اقوام و خویشاوندان (۰/۸۸)، دوستان (۰/۹۲) و همکاران (۰/۹) در سطح مناسبی می‌باشد.
- مشارکت اجتماعی در دو سطح مشارکت ذهنی و مشارکت عینی بررسی شد. برای مشارکت ذهنی، ادراک کارکنان از مشارکت با اقوام و خویشاوندان (۷ گویه)، دوستان (۷ گویه) و همکاران (۷ گویه) سنجش شد. مقدار آلفای کرونباخ برای سه گروه اقوام و خویشاوندان (۰/۷۵)، دوستان (۰/۷۸) و همکاران (۰/۷۴) در سطح قابل قبولی می‌باشد. در وجه مشارکت عینی، از پاسخگویان پرسیده شد که در کدام یک از ۱۰ انجمن و گروه ذکر شده در تحقیق عضویت دارند و در صورت داشتن عضویت، وضعیت عضویت آن‌ها به چه شکل (عادی، فعال و دارای مسئولیت) می‌باشد.
- حمایت اجتماعی به این مسأله می‌پردازد که آیا فرد در زندگی خود و هنگام مشکلات از هم‌فکری و مساعدت‌های اطرافیان خود (اقوام، دوستان و همکاران) بهره‌مند می‌شود و می‌تواند با آن‌ها احساس نزدیکی کند؟ لذا از پاسخگویان پرسیده شده است که آیا فرد یا افرادی را در میان سه گروه از اقوام و خویشاوندان، دوستان و همکاران دارند که در موقعیت‌های مختلف (۶ موقعیت ذکر شده در پژوهش) بتوانند به آن‌ها اتکا کنند یا خیر.

۵- یافته‌ها

- بافت نمونه آماری

از حیث توزیع جمعیتی پاسخگویان، دو سوم نمونه را کارکنان مرد و یک سوم را زنان تشکیل داده‌اند. بیشتر پاسخگویان از تحصیلات کارشناسی (۴۲٫۵٪)، کارشناسی ارشد (۲۱٫۵٪) و دیپلم (۱۶٪) برخوردار بودند. بیشتر پاسخگویان در گروه سنی ۲۷ تا ۳۵ سال قرار داشتند (۳۵٫۳٪). جوانترین آنها ۱۸ سال و مسن‌ترین آنها ۶۱ سال سن داشت. متوسط سن پاسخگویان ۳۹ سال با انحراف معیار ۸/۲ سال بود. از نظر سابقه کار، اکثریت کارکنان دارای سابقه کار کمتر از ۱۲ سال بودند (۴۳٫۸٪). کم‌سابقه‌ترین نمونه دارای یک سال سابقه و پرسابقه‌ترین آنها ۳۵ سال بود (M=۱۵، SD=۸/۷).

– سنجش مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان

در این تحقیق مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی به عنوان متغیر وابسته در دو سطح نگرشی و رفتاری مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۱: آماره‌های توصیفی مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی پاسخگویان

متغیر	تعداد گوبه	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	طبقات		
					بالا	متوسط	پایین
مقیاس کل مسئولیت- پذیری محیط‌زیستی	۱۰	۳۰	۳۰/۹	۵/۲	۸/۶	۸۵/۹	۵/۴
بُعد نگرشی	۵	۱۵	۱۸/۳	۳/۳	۵/۱/۶	۴۴/۳	۴/۲
بُعد رفتاری	۵	۱۵	۱۲/۵	۳/۳	۵/۲	۵۵/۲	۳۹/۷

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان در سطح متوسط قرار دارد و میانگین نظری طیف ($M=30$) با میانگین به دست آمده از پاسخ‌های کارکنان ($M=30/9$) نسبتاً مشابه است. طبقه‌بندی نگرش محیط‌زیستی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. بطوریکه سطح مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی در بیش از ۸۵٪ کارکنان در طبقه متوسط قرار دارد. مقایسه دو بُعد نگرشی و رفتاری از مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان نیز حاکی است که بُعد نگرش محیط‌زیستی کارکنان با بُعد رفتاری آنها تفاوت معناداری دارد. مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی به لحاظ نگرشی در سطح بالایی است و میانگین بدست‌آمده آن ($M=18/3$) بالاتر از میانگین نظری و مورد انتظار ($M=15$) قرار دارد. بیش از نیمی از کارکنان ($51,6\%$) به لحاظ نگرشی مسئولیت‌پذیری بالایی در قبال محیط زیست دارند. اما بررسی مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان به لحاظ رفتاری نتایج کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد. میانگین بدست‌آمده بُعد رفتاری $12/52$ می‌باشد که در سطح پایین‌تری از میانگین نظری طیف ($M=15$) قرار دارد که پایین‌تر از وجه نگرشی مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی ($M=18/3$) است. در طبقه‌بندی بُعد رفتاری نیز، رفتارهای محیط‌زیستی کارکنان در سطح پایین است و حدود ۴۰ درصد از آنها رفتار محیط‌زیستی مناسب ندارند. کارکنان به لحاظ نگرشی مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی دارند اما این نگرش لزوماً به رفتار تبدیل نمی‌شود.

- سنجش سرمایه اجتماعی کارکنان

اعتماد اجتماعی کارکنان مورد مطالعه در سه بُعد اعتماد بین فردی (اعتماد به اقوام و خویشاوندان، اعتماد به دوستان و اعتماد به همکاران)، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی سنجش و بررسی شده که نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی اعتماد اجتماعی پاسخگویان

متغیر	تعداد گویه	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	طبقات		
					بالا	متوسط	پایین
اعتماد بین فردی	مقیاس کل اعتماد بین فردی	۲۴	۷۲	۸۸/۱	۱۶/۵	۵۱/۶	۲/۷
	اعتماد به اقوام و خویشاوندان	۸	۲۴	۳۱	۶/۶	۶۳/۹	۵/۲
	اعتماد به دوستان	۸	۲۴	۲۹/۲	۵/۶	۴۸/۴	۲/۷
	اعتماد به همکاران	۸	۲۴	۲۸/۲	۶/۵	۴۸/۷	۷/۹
اعتماد تعمیم یافته		۹	۲۷	۲۱/۵	۵/۶	۲/۵	۴۱/۶
اعتماد نهادی		۲۳	۶۹	۶۷/۴	۱۷/۴	۱۲/۸	۱۹/۳
اعتماد اجتماعی		۵۶	۱۶۸	۱۷۸/۴	۲۷/۵	۱۶/۶	۳/۶

طبق یافته‌ها، میانگین اعتماد بین فردی کارکنان ($M=88/1$) در سطحی بالاتر از میانگین نظری ($M=72$) طیف است و اعتماد بین فردی در بیش از نیمی از آنها ($51,6/$) بالاست. در میان ابعاد مختلف اعتماد بین فردی هر چه از حلقه اول یعنی اقوام و خویشاوندان فاصله می‌گیریم میزان اعتماد کاهش می‌یابد. بالاترین میزان اعتماد مربوط به اقوام و خویشاوندان است ($63,9/$) و اعتماد به همکاران به نسبت اقوام و خویشاوندان و دوستان در سطح پایین‌تری است. جنبه مشترک برای هر سه سطح از اعتماد بین فردی این است که میزان اعتماد بالاتر از میانگین نظری طیف قرار گرفته است.

اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد به جامعه ($M=21/5$) برعکس اعتماد بین‌فردی پایین‌تر از میانگین نظری طیف ($M=27$) قرار دارد. وضعیت اعتماد تعمیم‌یافته در بین اکثریت پاسخگویان ($41,6\%$) در سطح پایین است. اعتماد بین‌فردی که به نوعی اعتماد درون‌گروهی را نشان می‌دهد در سطح بالایی ($51,6\%$) می‌باشد در حالی که اعتماد تعمیم‌یافته بخشی از اعتماد برون‌گروهی است در سطح پایینی ارزیابی شده است.

سومین بُعد از اعتماد کارکنان، مربوط به اعتماد نهادی می‌باشد. میانگین اعتماد به نهادها و گروه‌های شغلی در میان کارکنان در اطراف میانگین نظری ($M=69$) و اندکی پایین‌تر از آن ($M=67/4$) است. سطح اعتماد نهادی در بین $19,3\%$ از کارکنان در سطح پایین است و میزان آن در $12,8\%$ بالاست.

از مجموع این سه بُعد از اعتماد، مقیاس کل یعنی اعتماد اجتماعی محاسبه و وضعیت آن در نمونه سنجش و بررسی شده است که یافته‌ها حاکی است میانگین اعتماد اجتماعی کارکنان ($M=178/4$) بالاتر از میانگین نظری طیف ($M=168$) است. به عبارتی، $16,6\%$ از کارکنان از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردارند که دلیل اصلی این نسبت، به اعتماد بین‌فردی بالای آنها برمی‌گردد، کمالینکه اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی از میزان کل اعتماد اجتماعی کارکنان کاسته‌اند.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی تعاملات اجتماعی

متغیر	تعداد گویه	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	طبقات		
					بالا	متوسط	پایین
تعاملات با اقوام و خویشاوندان	۱۰	۳۰	۳۸	۸/۳	۶۲/۲	۳۳/۵	۴/۳
تعاملات با دوستان	۱۰	۳۰	۳۳/۷	۷/۳	۳۸/۳	۵۴/۳	۷/۴
تعاملات با همکاران	۱۰	۳۰	۲۸/۲	۷/۵	۱۶/۱	۵۶/۵	۲۷/۴
تعاملات اجتماعی	۳۰	۹۰	۹۹/۸۲	۱۷/۳	۲۵/۳	۷۰/۳	۴/۴

جدول شماره ۳، حاکی از آن است که وضعیت تعاملات اجتماعی کارکنان به صورت کلی تا حدی بالاتر از میانگین نظری طیف است. میزان تعاملات اجتماعی حدود ۷۰ درصد در اطراف میانگین نظری طیف قرار دارد. تعاملات اجتماعی $25,3\%$ از کارکنان در سطح بالا و تنها کمتر از ۵ درصد میزان تعاملات آنها در سطح پایین می‌باشد. برحسب سطوح مختلف تعاملات اجتماعی

نیز باید گفت که همانند اعتماد اجتماعی بیشترین میزان تعامل با اقوام و خویشاوندان (۶۲,۲٪) و کمترین آنها با همکاران (۱۶,۱٪) است. برعکس دو سطح تعاملات با اقوام و دوستان، تعامل با همکاران اندکی پایین تر از میانگین نظری طیف قرار دارد و نسبت کسانی که تعامل خود با همکاران را در سطح بالایی ارزیابی کرده اند کم تر از نسبت کارکنانی است که این تعامل را در سطح پایین می دانند.

جدول شماره ۴: آماره های توصیفی مشارکت اجتماعی

متغیر	تعداد گوبه	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	طبقات		
					بالا	متوسط	پایین
مشارکت ذهنی	۲۱	۶۳	۷۱/۷۶	۱۰/۹	۲۶/۹	۷۲	۱/۱
آمادگی مشارکت با اقوام و خویشاوندان	۷	۲۱	۲۵/۱	۴/۴	۴۵/۷	۵۲/۷	۱/۶
آمادگی مشارکت با دوستان	۷	۲۱	۲۳/۵	۴/۵	۳۲/۶	۶۰/۹	۶/۵
آمادگی مشارکت با همکاران	۷	۲۱	۲۳	۴/۴	۲۶/۶	۶۵/۸	۷/۶
مشارکت عینی	۱۰	۵	۳/۳۸	۲/۲	۸/۳	۳۳/۳	۵۸/۳
مشارکت اجتماعی	۳۱	۱۲۶	۱۱۳/۳	۳۰/۷	۹/۹	۵۹/۱	۳۱

یافته های حاصل از جدول شماره ۴، نشان می دهد که وضعیت مشارکت عینی و مشارکت ذهنی کارکنان با یکدیگر تفاوت قابل توجهی دارد. در حالی که پاسخگویان به لحاظ ذهنی آمادگی متوسط به بالایی برای مشارکت دارند اما به لحاظ مشارکت عملی و عینی در سطحی پایین تر از میانگین نظری طیف هستند. به عبارت دیگر کارکنان به لحاظ ذهنی موافق مشارکت و امور مشارکتی هستند اما در عمل چندان در امور مختلف بالاخص امور مربوط به انجمن های متفاوت و متعدد مشارکتی نمی کنند. از ۱۰ انجمن ذکر شده برای عضویت بیش از ۸۳٪ از کارکنان در کمتر از نیمی از آنها عضویت داشتند و ۵٪ آنها در هیچ انجمنی عضو نبودند. از میان کارکنانی که در انجمن ها عضویت داشتند، ۵۱ درصد از آنها عضو عادی و حدود ۴۰٪ عضو فعال بودند و تنها ۹٪ آنها در این انجمن ها مسئولیت داشتند. پایین بودن وضعیت مشارکت عینی کارکنان سبب شد که در تجمیع دو بُعد از مشارکت جهت ساخت مقیاس کلی مشارکت

اجتماعی که با توزین یکسان دو مشارکت عینی و ذهنی صورت گرفت میزان مشارکت اجتماعی کارکنان ($M=113/3$) در سطحی پایین‌تر از میانگین نظری طیف ($M=126$) قرار گیرد. مشارکت اجتماعی در بین یک سوم از کارکنان (۳۱٪) در سطح پایین و تنها کمتر از ۱۰٪ آنها از مشارکت اجتماعی در سطح بالایی برخوردار هستند.

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی حمایت اجتماعی

متغیر	تعداد گویه	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	طبقات		
					بالا	متوسط	پایین
حمایت اجتماعی	۶	۳	۵/۳	۱/۲	۸۲/۶	۱۵/۴	۲/۱

بر اساس جدول شماره ۵، میزان حمایت اجتماعی ادراک شده توسط کارکنان در سطح بالایی است. در واقع اکثریت پاسخگویان (بیش از ۸۰٪) میزان حمایت اجتماعی که از آنها در مواقع لزوم صورت می‌گیرد را در سطح بالایی می‌دانند. به اعتقاد کارکنان بیشترین حمایت صورت گرفته از آنها توسط خانواده، بعد از خانواده با اختلاف زیادی دوستان قرار می‌گیرند و در نهایت همکاران کمترین حمایت را به نسبت خانواده و دوستان از یکدیگر دارند. عمده حمایت همکاران از یکدیگر مربوط به قبول ضمانت برای گرفتن وام است. با وزن دادن به متغیر حمایت اجتماعی از این متغیر به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی برای ساخت متغیر سرمایه اجتماعی استفاده شد.

جدول شماره ۶: آماره‌های توصیفی سرمایه اجتماعی

متغیر	تعداد گویه	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	طبقات		
					بالا	متوسط	پایین
سرمایه اجتماعی	۱۳۴	۴۰۲	۴۲۴/۰۸	۵۹/۷	۱۲/۵	۸۳/۸	۳/۷

متغیر اصلی پژوهش سرمایه اجتماعی است که از ترکیب نمرات چهار مقیاس فرعی شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی ساخته شده است. جدول شماره ۶، نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی بخش اندکی از کارکنان (۱۲،۵٪) در

سطح بالاست و عمدتاً در سطح متوسط (۸۳٫۸٪) است. حدود ۴٪ کارکنان نیز از سرمایه اجتماعی پایینی برخوردارند.

آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

جدول شماره ۷: آزمون فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پی‌رسون (r)	مقدار احتمال (p)
سرمایه اجتماعی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۲۱	۰/۰۱۸
	بُعد نگرشی	۰/۰۶	۰/۴۷
	بُعد رفتاری	۰/۲۷	۰/۰۰۲

نتایج جدول شماره ۷، حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پی‌رسون برابر با ۰/۲۱ است که نشان می‌دهد شدت همبستگی در سطح متوسط و جهت آن مثبت است یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی میزان مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی نیز افزایش می‌یابد. بین سرمایه اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی کارکنان نیز رابطه مثبت و معناداری برقرار است ($r=0/27, p<0/01$)، اما سرمایه اجتماعی با نگرش محیط‌زیستی رابطه معناداری ندارد ($r=0/06, p>0/05$). با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی ترکیبی از دو بُعد نگرشی و رفتاری است. ترکیب نمرات این دو بُعد بر روی رابطه مسئولیت‌پذیری با سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بوده و سبب کاهش شدت رابطه می‌شود. در حالی که اگر این دو بُعد به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد بُعد رفتار محیط‌زیستی شهروندان رابطه قوی‌تری با سرمایه اجتماعی دارد در حالی که بُعد نگرشی فاقد این رابطه است. چنین وضعیتی در ارتباط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی و زیرشاخص‌های آن نیز عموماً قابل مشاهده است.

جدول شماره ۸: آزمون رابطه بین اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پی‌رسون (r)	مقدار احتمال (p)
اعتماد اجتماعی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۱۶	۰/۰۵
	بُعد نگرشی	۰/۰۵	۰/۴۹
	بُعد رفتاری	۰/۱۷	۰/۰۳
اعتماد بین فردی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۰۹	۰/۲۵

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پیرسون (r)	مقدار احتمال (p)
	بُعد نگرشی	۰/۱	۰/۲
	بُعد رفتاری	۰/۰۵	۰/۵
اعتماد تعمیم‌یافته	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۰۷	۰/۳۵
	بُعد نگرشی	-۰/۰۳	۰/۶۶
	بُعد رفتاری	۰/۱۴	۰/۰۵
اعتماد نهادی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۰۹	۰/۲۴
	بُعد نگرشی	۰/۰۵	۰/۴۸
	بُعد رفتاری	۰/۱۱	۰/۱۳

جدول شماره ۸، نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی کارکنان با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی آنها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری دارد. جهت رابطه مثبت و شدت آن در سطح ضعیفی است ($r=0/16, p<0/05$). اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری نیز با رفتار محیط-زیستی کارکنان دارد ($r=0/17, p<0/05$) اما فاقد رابطه معنادار با بُعد نگرشی آن است ($r=0/05, p>0/05$). اعتماد اجتماعی ترکیبی از سه زیر شاخص می‌باشد که شامل اعتماد بین‌فردی (اعتماد درون‌گروهی)، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد برون‌گروهی) و اعتماد نهادی است که در ادامه به بررسی رابطه زیرشاخص‌ها با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و ابعاد آن پرداخته می‌شود.

اعتماد بین‌فردی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی کارکنان و ابعاد آن رابطه معناداری ندارد ($p>0/05$). اعتماد تعمیم‌یافته تنها با رفتار محیط‌زیستی آنها رابطه معناداری دارد ($p<0/05$). با افزایش اعتماد برون‌گروهی و تعمیم‌یافته کارکنان وضعیت رفتار محیط‌زیستی آنها نیز بهبود می‌یابد. اعتماد نهادی به عنوان سومین زیرشاخص اعتماد اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و ابعاد آن رابطه معناداری ندارد ($p>0/05$).

جدول شماره ۹: آزمون فرضیه رابطه تعاملات اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پیرسون (r)	مقدار احتمال (p)
تعاملات اجتماعی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۲۷	۰/۰۰۱
	بُعد نگرشی	۰/۱۶	۰/۰۴
	بُعد رفتاری	۰/۲۷	۰/۰۰۰

یافته‌های حاصل از جدول شماره ۹، نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی کارکنان با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و ابعاد آن رابطه معناداری دارد. در میان فرضیه‌های مورد بررسی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی تنها تعاملات اجتماعی است که با مسئولیت‌پذیری و هر دو بُعد آن رابطه معناداری دارد. رابطه تعاملات اجتماعی کارکنان با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی آنها در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است ($r=0/27, p<0/01$). شدت رابطه متوسط و جهت آن مثبت است. به عبارت دیگر با افزایش تعاملات اجتماعی کارکنان میزان مسئولیت‌پذیری محیط-زیستی آنها افزایش می‌یابد. این سطح از رابطه و شدت و جهت در ارتباط با بُعد رفتاری این متغیر نیز وجود دارد ($r=0/27, p<0/01$). تعاملات اجتماعی با نگرش محیط‌زیستی نیز رابطه مثبت و معناداری دارد ($r=0/16, p<0/05$). معناداری این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد است و شدت آن نیز در مقایسه با بُعد رفتاری ضعیف‌تر می‌باشد.

جدول شماره ۱۰: آزمون فرضیه رابطه مشارکت اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پیرسون (r)	مقدار احتمال (p)
مشارکت اجتماعی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۰۹	۰/۲۵
	بُعد نگرشی	-۰/۰۴	۰/۶۴
	بُعد رفتاری	۰/۱۸	۰/۰۲
مشارکت ذهنی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۱۷	۰/۰۳
	بُعد نگرشی	۰/۲	۰/۰۰۹
	بُعد رفتاری	۰/۰۳	۰/۶۷
مشارکت عینی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۰۷	۰/۳۴
	بُعد نگرشی	۰/۲۷	۰/۰۰۰
	بُعد رفتاری	۰/۱۴	۰/۰۵

بر اساس جدول شماره ۱۰، مشارکت اجتماعی کارکنان تنها با رفتار محیط‌زیستی آنها رابطه معناداری دارد ($r=0/18, p<0/05$). شدت این رابطه ضعیف و جهت آن مثبت است. در واقع هر چه مشارکت اجتماعی کارکنان بیشتر باشد رفتار محیط‌زیستی آنها نیز بهبود می‌یابد. مشارکت اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و نگرش محیط‌زیستی رابطه معناداری ندارد. مشارکت اجتماعی از دو بُعد مشارکت ذهنی و عینی تشکیل شده است. رابطه این دو زیرشاخص با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و ابعاد آن نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان

می‌دهد که میزان مشارکت ذهنی کارکنان با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی ($r=0/17, p<0/05$) و نگرش محیط‌زیستی ($r=0/2, p<0/01$) رابطه مثبت و معناداری دارد اما با رفتار محیط‌زیستی فاقد رابطه معنادار است ($r=0/03, p>0/05$). مشارکت عینی نیز با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی رابطه معناداری ندارد ($r=0/07, p>0/05$)، اما با نگرش محیط‌زیستی و رفتار محیط‌زیستی رابطه مثبت و معناداری با شدت ضعیف دارد.

جدول شماره ۱۱: آزمون فرضیه رابطه حمایت اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پیرسون (r)	مقدار احتمال (p)
حمایت اجتماعی	مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی	۰/۲۱	۰/۰۰۵
	بُعد نگرشی	۰/۲۵	۰/۰۰۱
	بُعد رفتاری	۰/۱۱	۰/۱۲

نتایج جدول شماره ۱۱، نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معناداری دارد ($r=0/21, p<0/01$). شدت رابطه ضعیف و جهت آن مثبت است. افراد وقتی که احساس کنند از جانب اقوام، دوستان و همکاران مورد حمایت اجتماعی قرار می‌گیرند مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی بیشتری دارند. در مقابل افرادی که مورد حمایت دیگران نیستند و احساس طرد شدن دارند میزان مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی آنها نیز کاهش می‌یابد. همین موضوع در ارتباط با نگرش محیط‌زیستی نیز وجود دارد ($p<0/01$). اما حمایت اجتماعی ادراک شده توسط کارکنان با رفتار محیط‌زیستی آنها رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد ($r=0/11, p>0/05$).

تحلیل رگرسیونی یافته‌های تحقیق

متغیرهای مستقلی که در بخش آزمون فرضیات با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی رابطه معنادار داشتند جهت ورود به تحلیل رگرسیونی انتخاب شدند. به منظور مشخص نمودن این موضوع که تغییرات مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی، تحت تأثیر کدام یک از متغیرهای مستقل است از روش رگرسیون گام به گام چند متغیره استفاده شده است. در روش رگرسیون گام به گام برای قضاوت درباره اینکه آیا در هر مرحله باید یک متغیر مستقل جدید به مدل افزوده شود یا خیر، یک سطح انتخاب می‌شود که در این مطالعه سطح معناداری ۰/۰۵ انتخاب شده است. متغیرهای

مستقل وارد شده به مدل شامل اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی، مشارکت ذهنی و حمایت اجتماعی است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی در جدول شماره ۱۲، ارائه شده است.

جدول شماره ۱۲: نتایج تحلیل رگرسیونی

Beta	Sig.	t	B	متغیرهای مستقل
۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	۳/۵۸	۰/۰۸۶	تعاملات اجتماعی
۰/۲۴۹	۰/۰۰۰	۲/۶۱	۰/۰۷۳	حمایت اجتماعی
F= ۱۴/۷۹	Sig.= ۰/۰۰۰	R ² = ۰/۲۹	Ad. R ² = ۰/۲۶	a=۲۲/۶

نتایج حاصل از جدول شماره ۱۲، نشان می‌دهد مناسب‌ترین مدل برای تبیین مسئولیت-پذیری محیط زیستی با استفاده از دو متغیر تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی تعریف می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده برای این مدل برابر با ۰/۲۶ است که نشان می‌دهد ۲۶ درصد از تغییرات مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی تحت تأثیر دو متغیر تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی تبیین می‌شود. معنی‌دار بودن تحلیل رگرسیونی انجام شده، به وسیله آماره F محاسبه شده است که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. در این مدل متغیر تعاملات اجتماعی بر اساس مقدار بتا، سهم بیشتری در مقایسه با متغیر حمایت اجتماعی در پیش‌بینی متغیر وابسته (مسئولیت‌پذیری محیط زیستی) دارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

نگاه جامعه‌شناختی به محیط زیست و گسترش این دیدگاه به نسبت نگاه عمرانی و روانشناختی سابقه کمتری دارد اما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش‌های مختلف که در بخش پیشینه تحقیق به تعداد محدودی از آنها اشاره شد نشان می‌دهد که مسأله محیط زیست و تخریب آن یک مسأله اجتماعی است. از میان عوامل موثر بر مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و بهبود نگرش و رفتار محیط‌زیستی افراد باید به نقش سرمایه اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت. سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه‌های فعالیت جمعی سبب تسهیل و تسریع همکاری بین افراد می‌شود. در نتیجه فعالیت‌های فردی و خصوصی که دارای اثرات منفی زیست‌محیطی می‌باشند با تقویت سرمایه اجتماعی، کاهش می‌یابد. نکته مهم در این بخش به تعبیر پاتنام به نحوه ساختاربندی سرمایه اجتماعی و نحوه کاربرد آن بستگی دارد. سرمایه اجتماعی می‌تواند در قالب جنبش‌های صنعتی و

حمایت از گسترش سریع صنعت و صنعتی شدن جوامع، زمینه دفاع از صنعت حتی به بهای تخریب محیط زیست را فراهم نماید. علاوه بر این پاتنام (۲۰۰۰) بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل شد که سازوکار اثرگذاری آنها بر موضوع محیط زیست متفاوت است. سرمایه اجتماعی بین گروهی سبب ارتباط و تعامل گروه‌ها و نشر اطلاعات می‌شود درحالی‌که سرمایه اجتماعی درون گروهی منجر به تقویت گروه‌های انحصاری می‌گردد. اگرچه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی افراد می‌تواند سبب بهبود کیفیت محیط زیست شود اما باز هم تأکید می‌شود که لزوماً نمی‌توان این موضوع را پدیده عام و قطعی تلقی کرد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی رابطه معناداری دارد. این موضوع علاوه بر اینکه با ملاحظات نظری پاتنام (۲۰۰۰) همراستا می‌باشد در یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نیز نمایان است. در پژوهش‌های داخلی کمتر به موضوع سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی به صورت مشخص پرداخته شده است در میان پژوهش‌های بررسی شده به استثنای پژوهش صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) و عقیلی و همکاران (۱۳۹۸) در سایر پژوهش‌ها از مولفه‌ها و متغیرهای مربوط یا نزدیک به سرمایه اجتماعی استفاده شده است و به صورت مشخص رابطه سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی بررسی نشده است. در دو پژوهش ذکر شده رابطه مثبت و معنادار سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری محیط زیستی تأیید شد و این موضوع همراستا با پژوهش حاضر می‌باشد اما در این دو پژوهش محوریت سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد است در حالی‌که در پژوهش حاضر متغیرهای تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی بیش از سایر ابعاد سرمایه اجتماعی قدرت تبیین‌کنندگی برای متغیر وابسته یعنی مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشتند. در پژوهش‌های مرادی و همکاران (۱۳۹۱)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۵)، احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) و ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۵) به متغیرهای اجتماعی نزدیک به ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش اشاره داشتند و رابطه این متغیرها را با مسئولیت‌پذیری محیط زیستی تأیید کردند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به صورت مبسوط و متکی بر دیدگاه نظری پاتنام با موضوع مسئولیت‌پذیری محیط زیستی مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع در پژوهش‌های خارجی مانند پژوهش هووا و همکاران (۲۰۲۱)، عطشان و همکاران (۲۰۲۰)، کاستاندا و همکاران (۲۰۱۵)، لیو و همکاران (۲۰۱۴)، تویر (۲۰۱۱) و ویکفیلد و همکاران (۲۰۰۶) مورد توجه قرار گرفته است. در

این پژوهش‌ها نیز مانند پژوهش حاضر به وجود رابطه مثبت و معنادار سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی تأکید شده است با این تفاوت که از میان ابعاد سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های پیشین بیشتر بر اعتماد و مشارکت و نقش این دو متغیر در مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی تأکید می‌شود، در حالی که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی بیش از سایر ابعاد سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری محیط زیستی اثرگذار هستند. در پژوهش فاضلی و جعفرصالحی (۱۳۹۲) به وجود شکاف بین دانش محیط زیستی شهروندان و رفتار آنها اشاره شده است که در پژوهش حاضر این شکاف بین نگرش و رفتار محیط زیستی شهروندان نمایان شد. در میان پژوهش‌های مورد بررسی این موضوع تنها در یک پژوهش مورد توجه قرار گرفته بود در حالی که موضوع مهمی به شمار می‌آید.

در واقع کارکنان به لحاظ نگرش‌های محیط‌زیستی در سطح بسیار مناسبی قرار دارند و نگرش آنها به محیط زیست مثبت و بالاتر از میانگین است. در مقابل، برای کارکنان رفتارهای محیط‌زیستی در سطح متوسط به پایین است و از این جهت با نگرش آنها کاملاً متفاوت می‌باشد. اگرچه نگرش مثبت محیط‌زیستی بسیار مهم و ضروری است و نگرش می‌تواند مقدمه رفتار باشد اما آنچه که اهمیت بیشتری دارد رفتارهای محیط‌زیستی است. اگر نگرش مثبت محیط‌زیستی به رفتار تبدیل نشود اهمیت تعیین‌کننده برای حفظ محیط زیست ندارد. نکته مهم این پژوهش تفاوت این دو بُعد است که اگر نگوئیم دو سر یک طیف هستند ولی می‌توان گفت اختلاف معناداری با یکدیگر دارند.

پاتنام شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی را ضروری می‌داند که در این پژوهش نیز بر اساس یافته‌های رگرسیون اهمیت و اثر این شبکه‌ها در قالب تعاملات اجتماعی، از سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بیشتر و تعیین‌کننده‌تر بود. شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در قالب انجمن‌ها، روابط دوستانه و روابط با همکاران شرط لازم، اما ناکافی است. نوع این تعاملات بسیار تعیین‌کننده است. تعاملات اگر در مقابله با محیط زیست ساختاربندی شود، پیامدهای منفی برای محیط زیست خواهد داشت. سرمایه اجتماعی در قالب شبکه پیچیده‌ای از روابط، اطلاعاتی را فراهم می‌کند که بر روی دانش کنش‌گران و نحوه مواجهه آن‌ها با محیط زیست اثرگذار است و این اثرگذاری با توجه به ساختار سرمایه اجتماعی می‌تواند مثبت یا منفی باشد، لذا نباید تنها بر جنبه مثبت آن تأکید کرد.

۷- منابع

- احمدیان، داریوش؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی شهری (مورد مطالعه شهروندان شهر کرمانشاه)»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال ششم، شماره ۱۸، ۷۶-۵۱.
- ادهمی، عبدالرضا؛ اکبرزاده، الهام (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل فرهنگی موثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸)»، **علوم اجتماعی شوشتر**، سال پنجم، شماره ۱۲، ۱۴۰-۱۱۳.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ کاظمی، نسرين (۱۳۹۲)، «نقش رویکرد مدیریت ریسک خشکسالی در کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی-اجتماعی کشاورزان روستایی از دیدگاه مسئولان و کارشناسان: مطالعه موردی آذربایجان غربی»، **پژوهش‌های روستایی**، سال چهارم، شماره ۱، ۲۲-۱.
- خوش‌بین، سپیده؛ زعیمدار، مژگان؛ موگویی، رکسانا؛ حجازی، رخشاد (۱۳۹۹)، «تبیین علل موثر بر رفتار دوست‌دار محیط زیست با تکیه بر نقش جنسیت در شهروندان شهر تهران»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره بیست و یکم، شماره ۴، ۹۷-۱۲۲.
- صالحی، صادق (۱۳۹۹)، «سنجش وضع مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط زیست و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: استان مازندران)»، **توسعه محلی**، دوره دوازدهم، شماره ۱، ۲۰-۱.
- صالحی، صادق؛ امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره سیزدهم، شماره ۴، ۱۱۵-۹۰.
- صالحی، صادق؛ امامقلی، لقمان (۱۳۹۵)، «نقش هنجارهای فردی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتار حامی محیط زیست»، **فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار**، سال چهارم، شماره ۳، ۲۰-۱۱.
- عبداللهیان، حمید؛ اسدی، زهرا (۱۳۹۷)، «تأثیر تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات بر سازگاری محیط زیستی: مطالعه نگرش فعالان محیط زیست»، **مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**، سال ۱۱، شماره ۱، ۹۹-۶۵.
- عقیلی، سید محمود؛ خوش‌فر غلامرضا؛ صالحی، صادق (۱۳۸۸)، «سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولان در شمال ایران (مطالعه موردی: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)»، **مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی**، جلد شانزدهم، ویژه نامه ۱-الف، ۲۵۰-۲۳۶.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۱)، «جامعه‌شناسی تعهد زیست‌محیطی»، **همشهری ماه**، شماره ۱۰۰: ۲۹-۲۶.
- فاضلی، محمد؛ جعفرصالحی، سحر (۱۳۹۲)، «شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست‌محیطی گردشگران»، **فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری**، سال هشتم، شماره ۲۲، ۱۶۱-۱۳۷.

مرادی، رامین؛ خشت‌زر، ایمان؛ مختاری، مریم (۱۳۹۹)، «کنش مسئولانه در فرایند جامعه‌پذیری زیست-محیطی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره یازدهم، شماره ۱، ۲۸۵-۳۰۸.

ملکی، امیر؛ عبداللهی، عظیمه‌السادات (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی محیط‌گرایی ایرانیان در دو سطح خرد و کلان»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، شماره ۲، ۳۴-۹.

نوروزی آورگانی، اصغر؛ نوری، سید هدایت‌اله؛ شایان، سیاوش (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل اثرات توسعه بر محیط با کاربرد مدل تخریب (مطالعه موردی: شهرستان بروجن، استان چهارمحال و بختیاری)»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲، ۱۶۹-۱۸۹.

- Atshan, S., Bixler, R. P., Rai, V., & Springer, D. W. (2020). Pathways to urban sustainability through individual behaviors: The role of social capital. *Environmental Science & Policy*, 112, Pp. 330-339.
- Castaneda, M. G., Martinez, C. P., Marte, R., & Roxas, B., (2015). Explaining the environmentally sustainable consumer behavior: a social capital perspective. *Social responsibility journal*, 11 (4), Pp. 658-676.
- Cho, S., & Kang, H. (2017). Putting behavior into context: Exploring the contours of social capital influences on environmental behavior. *Environment and Behavior*, 49, Pp. 283-313.
- Dulal, H. B., Foa, R., & Knoles, S. (2011). Social capital and cross-country environmental performance. *Journal of Environment & Development*, 20(2): Pp. 121-144.
- Falk, I., & Kilpatrick, S. (2002). What is social capital? A study of interaction in a rural community?. *Sociologia Ruralis*, 40 (1), pp. 87-110.
- Grafton, R. Q., & Knowles, S. (2004). Social capital and national environmental performance: A cross-sectional analysis. *Journal of Environment & Development*, 13 (4), Pp. 336-370.
- Hua, Y., Dong, F., & Goodman, J. (2021). How to leverage the role of social capital in pro-environmental behavior: A case study of residents' express waste recycling behavior in China. *Journal of Cleaner Production*, 280, part 2, Pp. 1-21.
- Li, D., Zhao, L., Ma, S., Shao, S., & Zhang, L. (2019). What influences an individual's pro-environmental behavior? A literature review. *Resources, Conservation and Recycling*, 146, Pp. 28-34.
- Liu, J. et al. (2014). The role of social capital in encouraging residents' pro-environmental behaviors in community-based ecotourism. *Tourism Management*, 14, Pp.190-201.
- Macias, T., & Williams, K. (2016). Know your neighbors, save the planet: social capital and the widening wedge of pro-environmental outcomes. *Environment and Behavior*, 48, Pp. 391-420.
- Putnam, R. D. (1996). Who killed civic America?. *Prospect*, March, Pp. 66-72.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: the collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Thoyre, A. (2011). Social capital as a facilitator of pro-environmental actions in the USA: a preliminary examination of mechanisms. *Local Environment* 16(1), 37-49.
- Wakefield, S. E. L., Susan, J. E., John, D. E., & Cole, D. C., (2006). Taking environmental action: The role of local composition, context, and collective. *Environmental Management*, 37, Pp. 40-53.